

بررسی ادبیات سیاسی ایران در دوره پهلوی اول 1

مهدی حسنی باقری شریف آباد2

تاریخ دریافت: 84/8/2

تاریخ تأیید: 84/10/25

مقاله حاضر در تلاش است تا وضعیت ادبیات سیاسی ایران را در دوران حکومت پهلوی اول مورد بررسی قرار دهد. از این رو، ابتدا خلاصه ای از اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی این دوران ذکر شده است و در ادامه دو مقوله اصلی ادبیات؛ یعنی شعر و داستان مورد توجه قرار گرفته اند و تلاش شده است تا با بررسی محتوایی آثار نویسندگان سیاسی مطرح آن دوره و در تعامل با شرایط خاص ایجاد شده در کشور (جو اختناق و برقراری حکومت استبدادی) تأثیر این شرایط بر ادبیات سنجیده شود.

واژه های کلیدی:

ادبیات، ادبیات سیاسی، شعر، شعر نو، رمان، تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران، رضا شاه، مدرنیسم ادبی.

کودتای سوم اسفند 1299 و برآمدن رضا شاه

سپیده دم يك شنبه سوم اسفند ماه 1299 آستان حوادث تازه ای بود. با طلوع آفتاب، فصل دیگری در تاریخ معاصر ایران آغاز شد. مردم خواب آلود پایتخت که شب پرهیاهویی را به صبح رسانده بودند؛ نگران، به وقایعی می اندیشیدند که دفتر آخرین روزهای سال را ورق می زد.

نیروهای قزاق به فرمان دهی میرپنج رضاخان که از 29 بهمن ماه از قزوین به سمت تهران حرکت کرده بودند، دوم اسفند در شاه آباد تهران اردو زدند. کوشش های احمد شاه برای جلوگیری از ورود آنها به تهران ناکام ماند. ظاهراً قزاق ها به بهانه نرسیدن مواجب و رای عرض داد به تهران رهسپار شده بودند. در همین روز در حالی که ادیب السلطنه معاون نخست وزیر و معین الملک رئیس دفتر شاه، توسط نیروهای قزاق بازداشت شده بودند، سید ضیاء الدین طباطبایی به نیروهای قزاق پیوست و پس از ایراد نطقی مهیج و پرداخت سه ماه حقوق معوقه قزاق ها به تهران بازگشت.

همان شب، قوای قزاق، تهران را با گام های سنگین خود در نورددیدند و در کلانتری ها و وزارت خانه و پست خانه ها و مراکز حساس شهر مستقر شدند.

«حکم می کنم» عنوان اولین اعلامیه رضاخان بود که در آن از همه تهرانی ها خواسته بود تا مطیع احکام نظام باشند. هم چنین در این اعلامیه دستور داده شده بود مغازه های شراب فروشی، تئاترها، سینماها، فتوگراف ها و کلوپ های قمار، تعطیل شوند. در پایان این اعلامیه عبارت «رئیس دیویزیون قزاق اعلی حضرت اقدس شهریاری و فرمان دهی کل قوا، رضا» به چشم می خورد. این اعلامیه به دلیل انعکاس بدی که در جامعه داشت فوراً جمع آوری گردید!3

رضاخان پس از کودتا در نطقی به نکاتی اشاره می کند که در حقیقت خواست عمومی مردم آن روزگار بود. او اهدافش را از حکومت این گونه شرح می دهد:

[هدف ما استقرار حکومتی است] که در فکر ایران باشد، حکومتی که فقط تماشاچی بدبختی ها و فلاکت ملت خود واقع نگردد. حکومتی که تجلیل و تعظیم قشون را از اولین سعادت مملکت به شمار آورد... حکومتی که بیت المال مسلمین را مرکز شقاوت، کانون مظالم و قساوت نسازد. حکومتی که در اقطار سرزمین آن، هزارها اولاد مملکت از گرسنگی و بدبختی حیات را بدرود نگوید... حکومتی که بازیچه دست سیاسیون خارجی نباشد.4

پس از تسخیر تهران به دست رضاخان سید ضیاء الدین طباطبائی نخست وزیری را در دست گرفت و از سوی احمد شاه قاجار، رضاخان به فرمان دهی دیویزیون قزاق منصوب شد و لقب «سردار سپه» گرفت.

درست است که کودتای سوم اسفند 1299 به سادگی به وقوع پیوست، اما هرگز با بی‌اعتنایی مواجه نشد. در ابتدا مخالفت‌ها اندک بود و استقبال از آن گسترده. در این میان طیف ناسیونالیست‌ها استقبال خوبی از کودتا کردند. میرزاده عشقی و عارف قزوینی دو شاعر نام‌آشنای آن دوره، که پیش از آن به دلیل مخالفت با قرارداد 1919 طعم زندان را چشیده بودند، اکنون با سرودن شعر و ساختن تصنیف، کودتا را می‌ستودند. عارف قزوینی به هنگام روی کار آمدن سید ضیاء در غزلی چنین سرود:

بدان که مملکت داریوش و کشور جم
به زنجیر ببر از من پیام کز اشراف
گدای کوی خرابات را بشارت ده

- هم عن قریب شه کامران نخواهد ماند5
- به دست فتنه بیگانگان نخواهد ماند
- دگر به دوش تو بار گران نخواهد ماند
- هم عن قریب شه کامران نخواهد ماند5
- هم عن قریب شه کامران نخواهد ماند5

فاصله سال‌های کودتا تا سلطنت رضا خان را دوران حاکمیت دوگانه خوانده‌اند. 6 در این سال‌ها مبارزه‌ای سخت، بین رقبا برای تصاحب قدرت سیاسی در جریان بود. این دوره رضاخان به تحکیم قدرت خود می‌پردازد و با دگرگونی در اوضاع ارتش و سرکوب قیام‌های فرقه‌ای و منطقه‌ای، آرامش قابل‌قبولی را در کشور ایجاد می‌کند. در این سال‌ها سه دیدگاه نسبت به رضاخان وجود داشت:

1- انگلیسی‌ها در ارزیابی خودشان، رضاخان را رهبر قدرت‌مند ناسیونالیستی می‌دانستند که در راه پیشرفت اجتماعی کشور کوشش می‌کند که هنوز برای دموکراسی پارلمانی به سبک غربی آماده نیست.

2- سفارت شوروی در تهران رضاخان را رهبری «بورژوا - ناسیونالیست» می‌دانست که به مبارزه با «فئودال‌های ارتجاعی» و «حامیان مذهبی‌شان» برخاسته است.

3- دیدگاه افرادی که رضاخان را «جاسوس» انگلیسی‌ها می‌دانستند که مأموریتش را برای پیش برد منافع امپریالیسم بریتانیا انجام خواهد داد. 7

در پی اختلاف نظر بین سید ضیاء و احمد شاه، وی خواستار استعفای نخست‌وزیر شد، اما سید ضیاء نپذیرفت و گفت: «مرا عزل کنید».

پس از سید ضیاء به ترتیب؛ قوام السلطنه، مشیر الدوله، قوام السلطنه، مستوفی الممالک و مشیر الدوله به نخست‌وزیری می‌رسند. با نخست‌وزیری مشیر الدوله، عمر مجلس چهارم به پایان رسید و مجلس پنجم با اکثریتی که خواهان نخست‌وزیری سردار سپه بود تشکیل شد. و سرانجام در اول آبان ماه 1302 رضاخان با فرمان احمد شاه کابینه دوره مشروطه را معرفی کرد.

رضاخان در دوران نخست‌وزیری اش، اقداماتش را در جهت برقراری امنیت در کشور ادامه داد و از جمله تحریکات شیخ خزعل و اسماعیل آقا سمیتقو را سرکوب کرد. در همین ایام است که زمزمه‌های جمهوری خواهی از گوشه و کنار کشور به گوش می‌رسد و سرانجام نیز راه برای استقرار جمهوری آغاز می‌شود. رضاخان به ظاهر در این قضایا خودش را بی‌طرف نشان می‌داد. جمهوری خواهی مخالفانی نیز پیدا کرد که می‌پنداشتند این جریان مقدمه‌ای برای تأسیس سلسله پهلوی است، میرزاده عشقی در چند و چون جمهوری خواهی در مقاله‌ای می‌نویسد:

جمهوری عجیبی است که دهاتیان «قروه» هوادار آنند اما عشقی با يك من فکل و کراوات با آن مخالف است. 8.

یکی از مخالفان بزرگ جمهوری خواهی، مرحوم سید حسن مدرس بود. با بالا گرفتن مخالفت‌ها جریان جمهوری خواهی به شکست انجامید و رضاخان از نخست‌وزیری استعفا داد. اما اعتراضات تهدیدآمیز فرماندهان ارتش و کوشش‌های برخی از نمایندگان که کناره‌گیری رضاخان را به مصلحت نمی‌دانستند باعث شد تا هیئتی برای بازگرداندن او رهسپار شوند؛ رضاخان باز می‌گردد و ریاست کابینه را با اختیارات وسیع‌تری در دست می‌گیرد. در اقدام بعدی به قم مسافرت می‌کند و از در آشتی با مدرس درمی‌آید.

قضیه جمهوری خواهی به رضاخان ثابت کرده بود که اگر کاری می‌خواهد انجام شود باید بی‌سر و صدا و به دور از هیاهو باشد.

بنابراین و با این شگرد تغییر سلطنت در دستور کار وی قرار می‌گیرد.

در 7 آبان ماه 1304 ماده واحده خلع سلطنت از قاجاریه در مجلس شورای ملی مطرح می‌شود؛ جو مجلس مخالف قاجار هاست، اما مخالفین نیز بیکار ننشسته‌اند. ملك الشعراء بهار یکی از آن روزها را این‌گونه تصویر کرده است:

بن روز تاریخی با نهیب مرگ و فشار. قوه ترور نظامی آغاز گردید! جسد واعظ قزوینی هنوز تازه است!

هول و رعب و بهت شجاع‌ترین افراد را آزار می‌داد. پیدا بود که کار از کار گذشته است. که تقلا کنند، فکری بیندیشند، با هم در نهایت یأس و آرامی و اختصار شوری بنمایند!

چه باید کرد؟ اکثریت را ربودند. دولت در دستی نوید و در دستی تهدید داشت، کو آن شیرمرد آزاده ای که بداند و درک کند و باور کند که حریف از ما می‌ترسد، بلکه او بیشتر می‌ترسد چه حق با او نیست... ما دیگر از همه چیز مأیوس بودیم به قضاوت تاریخ هم امیدی نداشتیم. 9

سرانجام مجلس با هشتاد رأی موافق در مقابل پنج رأی مخالف، انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام کرد و حکومت موقت را به دست رضاخان سپرد. در نهایت با تشکیل مجلس مؤسسان در 21 آذر ماه 1304 با اکثریت 257 نفر از 260 نفر حاضر، طی ماده واحده ای اصول سه‌گانه 36 و 37 و 38 متمم قانون اساسی را به‌گونه‌ای تغییر دادند که اصول سلطنت مشروطه به شخص رضاخان پهلوی و خاندان او انتقال یافت. 10

اما هنوز فریاد مدرس در راه روهای مجلس شورای ملی منعکس است که:

اگر صد هزار رأی هم بدهید، خلاف قانون است.

ویژگی های کلی ادبیات در فاصله های 1320 - 1299

دوران اوج ادبیات انتقادی ژورنالیستی که در آن مسائل سیاسی به شکل آشکاری بیان می‌گردید، دوران مشروطیت بود. پس از این دوره ادبیات انتقادی و به نوعی هیاهوگر فرو می‌نشیند و به شکلی جدید در دوره رضاشاه تداوم می‌یابد. ادبیاتی که در این دوران شکل می‌گیرد به نوعی با فضای ایجاد شده در دوران رضاشاه در تعامل است.

علی اصغر حکمت در نخستین کنگره نویسندگان ایران (1325)، دوران رضاشاه را به «دوره دیکتاتوری» تعبیر می‌کند و معتقد است که در این دوران به دلیل وجود حکومت های فردی و استقرار نازی ها و فاشیسم در بیشتر کشورهای اروپایی، در ایران نیز حرکت به سوی آزادی و حاکمیت ملی، بازگشتی قهقهرایی داشته است و اراده فردی واحد، حکمفرمای اجتماع گردید.

در نتیجه این امر، تمرکز بسیار شدیدی در کشور برقرار شد و اوضاع استبدادی و آثار حکومت فردی در آثار ادبی نیز انعکاس یافت، به اعتقاد حکمت در آن عصر آثار انتقادی نمود کمتری داشتند و اگر هم اثری در این زمینه نوشته می‌شد، از ترس شدت عمل پلیس خفی، پنهان می‌ماند و بیشتر اشعار در مدح و ثنا و تمجید از شخص رضا شاه بود. 11

پرویز ناتل خانلری یکی دیگر از سخنرانان این کنگره بود. گفته های وی درباره ادبیات عصر رضاشاه خواندنی است:

حقیقت مطلب آن است که دوره دیکتاتوری فشار پلیس و سانسور به حدی شدید بود که ذوق را در دل های نویسندگان و شاعران خاموش می‌کرد. شهربانی دستور داد که اشعار غم‌انگیز ممنوع است و همه باید در شعر خشنودی و رضایت را بیان کنند.

حتی در آن زمان شاعری در وصف جنگل شعری سروده بود و پلیس به بهانه ی آن که ممکن است این همان جنگلی باشد که میرزا کوچک خان در آن بوده است انتشار آن شعر را اجازه نداد. 12

پس از استقرار رضاخان هیاهوها و کشمکش های قبل از کودتای سوم اسفند 1299 که در دوره هرج و مرج و ضعف قدرت مرکزی در کشور برپا شده بود، فرو می‌نشیند، همه منتظر نجات دهنده بودند تا کشور را از خطر از هم گسیختگی برهاند. ورود رضاخان با استقبال همه گروه های سیاسی و روشن‌فکران و ادیبان مواجه شد. به زودی سر و صداها خوابید و «آرامش گورستان» در کشور استقرار یافت، در این شرایط زمینه برای رشد ادبیات ژورنالیستی به شیوه دوران مشروطیت فراهم نبود و قلم‌ها و اندیشه‌ها، خود به

خود و یا با هدایت دستگاه رضا شاهی به سمت جنبه های کم خطر ادبیات سوق یافتند. مهم ترین این گرایش ها تحقیقات ادبی بود.

از جمله مباحثی که در ادبیات دوران رضا شاه مطرح می باشد، مسئله سنت و تجدد است. این مسئله، قبل از دوران مشروطیت مطرح شده بود. در این جا با دو دسته سنت گرایان و متجددین برمی خوریم. بحث این گروه ها در مورد «احیا و جوان سازی» شعر بود. سنت گرایان راه حل را در برگشت به سبک های ساده تر قبل از مغول می دانستند و با الگو قرار دادن فردوسی، نظامی و سعدی تلاش می کردند شعر فارسی را زنده ساخته و با آن ارتباط برقرار کنند. 13 بر خلاف سنت گرایان، متجددین راه را در فاصله گرفتن از سنت کلاسیک شعر فارسی می دانستند. به عقیده آنان، سنت کلاسیک شعر فارسی چنان نخ نما شده بود که قابل استفاده نبود. بنابراین به طرح نظریاتی درباره شعر جدید فارسی پرداختند و شعر معاصر ترکیه را مثال می زدند. اما هیچ يك از آنان راه به جایی نبردند. چون در این جا مسئله هنر و جهت یابی جدید مطرح بود. چیزی که این نظریه پردازان نمی توانستند پیش برند؛ بلکه شاعری نظریه پرداز می خواست تا در آثارش این تجدد را مطرح کند. 14 تا این که «نیما یوشیج» ظهور کرد و پایه های تجدد را در شعر ریخت، هر چند که جامعه جامد آن روز نمی توانست پا به پای این نوآوری حرکت کند.

گذشته از این موضوع می توان ویژگی های ادبی این دوره را این چنین برشمرد:

1- ظهور ناسیونالیسم باستان گرا؛

2- گرایش به رمانتیسم و احساسات گرایی؛

3- رشد فعالیت های تحقیقات ادبی. 15

نیما یوشیج در نامه ای به سال 1312 خطاب به رسام ارژنگی درباره وضعیت ادبیات در آن دوره این چنین می نویسد:

از پشت شیشه کتاب خانه ها، این همه اسامی جدید کتاب های بی فایده و اغلب مضر را خواندن، رنگ به رنگ - جز رنگ های زنده که تنها در تابلوهایتان کار می کنید - مصنفین و مورخین را در کوچه و بازار دیدن؛ بدون این که به وجود ایشان پی ببرند، از مقالات و صحبت های آنان وعده ای که در کلیه علوم و فنون وجود اظهار رأی می کنند محظوظ شدن در خیالتان مجسم کنید که يك سینمای مجانی است. 16

شعر سیاسی در سال های 1320 - 1299

علی اصغر حکمت در نخستین کنگره نویسندگان ایران (1325) اشعار دوران رضاشاه را به لحاظ محتوایی این گونه تقسیم بندی می کند:

1- اشعار وصفی،

2- وطنی،

3- تاریخی؛

4- مترجم،

5- سوسیالیستی یا ادبیات کارگری،

6- انتقادی،

7- نسائیات،

8- صنایع عصری،

9- تربیتی و

11- اشعار موسیقی.

بیشترین حجم اشعار این دوران مربوط به اشعار صنایع جدید است. دلیل این امر حمایتی است که رضاشاه از این نوع اشعار می‌کند. برای مثال حکمت چند نمونه از این اشعار را ذکر می‌کند: اشعاری در وصف اتومبیل از لطفعلی صورتگر، در وصف دو چرخه از غلامرضا روحانی، در وصف هواپیما از فروزانفر، در وصف پرده سینما از ملك الشعراء بهار، در وصف چراغ برق از حسین شجرنیا، در وصف تلگراف از شیخ رئیس، در وصف میکروب از افسر... .

در میان شاعران دوره رضاشاه، هنوز چهره‌هایی از عصر مشروطیت دیده می‌شود. افرادی چون عارف، عشقی، فرخی یزدی، بهار، لاهوتی، دولت آبادی، پروین اعتصامی، رشید یاسمی، صورتگر، شهریار، رعدی و فرزاد که از اواخر دوره مشروطیت به جرگه شاعران پیوستند. ما در این مجال به بررسی کوتاهی از چند شاعر که بیشتر، کارشان با ادبیات سیاسی مانوس است؛ می‌پردازیم.

1- محمدتقی بهار (ملك الشعرا):

میرزا تقی خان متخلص به بهار در سال 1304 ه. ق در مشهد دیده به جهان گشود. بهار در سال 1328 ه. ق روزنامه «نوبهار» و سال بعد «تازه بهار» را در خراسان منتشر کرد. 17 وی در سال 1334 ه. ق با ایجاد جمعیتی به نام «دانشکده» شعرا و نویسندگان جوان را دور و بر خود جمع کرد. سعی بهار بر این بود تا «مکتب تازه ای از نظم و نثر به وجود آورد».

همین جمعیت بود که در سال 1336 ه. ق مجله دانشکده را که نامی آشنا در تجدد ادبی است منتشر کرد. 18

بهار در دوره پنجم مجلس شورای ملی از ترشیز و در دور ششم از سوی مردم تهران به نمایندگی انتخاب شد. در همین دوره است که او با مدرس و بهبهانی و آشتیانی در صف اقلیت مجلس قرار می‌گیرند.

بهار در آثار متعددی که می‌توان آنها را اشعار سیاسی وی نامید به انتقاد از شرایط حاکم بر کشور پرداخته است. برای مثال وی در «بهاریه ای» بهار را آئینه پریشان حالی وطن دانسته و سروده:

لاله خونین کفن از خاک سر آورده برون
نیست این لاله نوحیز که از سینه خاک
یا که بر طرح وطن خامه خون بار بهار
● نقش از خون دل رنجبر آورده برون
خاک مستوره قلب بشر آورده برون
پنجه جنگ جهانی، جگر آورده برون
نقش از خون دل رنجبر آورده برون
● نقش از خون دل رنجبر آورده برون

بهار و شاعرانی مانند او در این دوران با سمبل سازی های گوناگون تلاش کرده اند تا مقصود واقعی خودشان را در لفافه بیان کنند.

اثر معروف بهار، گذشته از دیوان اشعار وی، تاریخ معاصر احزاب سیاسی ایران است. یکی از معروف ترین آثار بهار تصنیف «مرغ سحر» است که در دستگاه ماهور سروده شده است:

مرغ سحر ناله سر کن
ز آه شرر بار این قفس را
بلبل پر بسته ز کنج قفس در آ
ای خدا ای فلک ای طبیعت
● شام تاریک ما را سحر کن
داغ مرا تازه تر کن
● برشکن و زیر و زبر کن

نغمه آزادی نوع بشر سرا
شام تاریک ما را سحر کن
شام تاریک ما را سحر کن

2- ابوالقاسم عارف قزوینی:

عارف، سرگذشت نامه خود را با این جملات آغاز می کند:

اغلب مردم این مملکت از تاریخ تولد خود بی خبرند، بدبختانه، يك ملتی که از تاریخ و ملیت و قومیت خود بی اطلاع باشند، چه اهمیتی خواهد داشت اگر تاریخ تولد خود را ندانند... 19.

عارف در سال 1283 در قزوین متولد شد. بنا به نوشته خودش دوران کودکی بدی را پشت سر گذاشته است. وی در دوره مشروطیت به جمع انقلابیون می پیوندد. وی از همان کودکی به موسیقی علاقه مند بود. بعدها ادوارد براون او را باربد دوره خود خواند. 20.

پس از شکل گیری جریانات مختلف سیاسی در ایران، پس از جنگ جهانی اول، عارف به گرایش های ملی پیوست. وی مدتی از عمرش را در این ایام در عثمانی به سر برد و تحت تأثیر تبلیغات ترک ها، تصنیف ها و سرودهایی درباره «اتحاد اسلام» سرود، اما پس از مدتی به اغراض ترک ها پی برد و راه وطن را در پیش گرفت؛ وطنی ویران و خراب! عارف در آن ایام در یکی از نامه هایش این چنین می نویسد:

تهران و قم و اصفهان و کاشان به هر کجا که روم آسمان همان رنگ است، تنها جایی که نرفته ام قبرستان است و فعلاً در آن خیال هستم. 21.

با روی کار آمدن بلشویک ها در روسیه، عارف با شور و علاقه به استقبال آنان می رود:

ای لنین ای فرشته رحمت
تخم چشم من آشیانه توست
• هین، بفرما که خانه خانه توست
کن قدم رنجه زود، بی زحمت
هین، بفرما که خانه خانه توست
• هین، بفرما که خانه خانه توست

با وقوع کودتای اسفند 1299، عارف نیز مانند بسیاری از روشن فکران به طرف داری از آن برخاست. عارف خود در مقدمه تصنیف 24 که در ستایش کابینه سید ضیاء است علت حمایتش را از وی این گونه شرح می دهد:

علت طرف داری من از سید ضیاء این است که از طبقه عامه به مقام وزارت رسیده است و طلسم اعیانی را شکست و داغ باطله بر اشراف زد. 22.

یکی از شلوغ ترین کنسرت های عارف در ستایش از جمهوری خواهی رضاخان بود که در شعبان 1342 ه. ق. برگزار شد. و این آخرین طرف داری عارف از جمهوری خواهی مزورانه حکام آن عصر بود و بعد از این بود که عارف به حقیقت تلخ بازی بودن این وقایع پی برد. عارف در اول بهمن 1312 در سن 52 سالگی در حالی که از هیاهوی پایتخت به قریه های آرام همدان پناه آورده بود، در گمنامی و فقر درگذشت. یحیی آرین پور درباره شعر عارف چنین نوشته است:

عارف، شعر را برای بیان افکار سیاسی و اجتماعی و تهیج مردم می داند و آن را چون حربه ای برای انتقاد از معایب و مفاصد ملی به کار می برد. صفت اصلی شعر عارف بدبینی و غم و اندوه است و به جز چند شعر که لحن امید بخشی دارد، باقی اشعار او تماماً دارای تصاویر تیره است. 23.

3- میرزاده عشقی:

سید محمدرضا میرزاده عشقی در سال 1312 ه. ق در همدان به دنیا آمد. عشقی فعالیت روزنامه نگاری اش را در سال 1333 ه. ق با روزنامه ای به نام «نامه عشقی» در همدان آغاز کرد. وی در سال های مقارن جنگ جهانی اول به استانبول که آن زمان کانون فعالیت های ملیون ایران بود، رفت. و در همان جا نخستین آثار شاعرانه اش مانند نوری نامه و اپرای رستاخیز شهریار آن را نوشت.

عشقی در 1337 ه. ق به تهران آمد و در مخالفت با قرارداد 1919 که آن را «معامله فروش ایران به انگلستان» می نامید، اشعاری سرود:

رفت شاه و رفت ملك و رفت تاج و رفت تخت
میهمانان وثوق الدوله خون خوارند سخت
• ای خدا با خون ما این میهمانی می کنند
باغبان زحمت ملكش كز ریشه كندند این درخت
ای خدا با خون ما این میهمانی می کنند
• ای خدا با خون ما این میهمانی می کنند

عشقی به خاطر سرودن این گونه اشعار به زندان می افتد.

معروف ترین نشریه ای که عشقی منتشر کرد، روزنامه کاریکاتوری «قرن بیستم» بود که در سال 1324 ه. ق به چاپ می رسید. در شماره اول دور سوم این نشریه، عشقی مطالب تندى درباره جمهوری خواهی رضاشاه نوشت. این مقاله به قیمت جان او تمام شد.

شعار عشقی زیاد نیستند و همه نیز از نظر ارزش ادبی در يك سطح قرار نمی گیرند. از هزلیات و هجوهای او که بگذریم می توانیم قطعه های نوری نامه، رستاخیز، کفن سیاه، احتیاج و سه تابلوی مریم را در ردیف آثار مهم او قرار دهیم. «سه تابلوی مریم» در تاریخ تجدد ادبی نیز دارای اهمیت است. قسمت هایی از تابلوی سوم مریم:

چرا نباید این مملکت ذلیل شود
رجال دوره او هم از این قبیل شود
در این محیط که بس مرده شوی دون دارد
عجب مدار اگر شاعری جنون دارد
• به دل همیشه تقاضای عید خون دارد
در انقلاب «سپهدار» چون دخیل شود
یقین بدان تو که این مرده شو وکیل شود
وزین قبیل عناصر ز حد فزون دارد
به دل همیشه تقاضای عید خون دارد
• به دل همیشه تقاضای عید خون دارد

4- فرخی یزدی:

وی در سال 1306 ه. ق در شهر یزد به دنیا آمد. از همان ابتدا شعر و شاعری کار دست او داد، وی در سنین جوانی شعری در نصیحت حاکم وقت یزد سرود. وقتی خبر این اشعار به گوش حکم ران رسید. دستور داد تا دهان او را با نخ و سوزن بدوزند. پس از این واقعه، فرخی به تهران آمد و در صف مبارزان ملی قرار گرفت و روزنامه نگاری را پیشه کرد و روزنامه «طوفان» را منتشر نمود.

با پیروزی انقلاب اکتبر 1917 شوروی، فرخی به سوسیالیسم متمایل شد. وی هم چنین در دوره هفتم قانون گذاری (سال های 1307 - 1309) از سوی مردم یزد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد، در همین دوران بود که وی به علت مخالفت های پی در پی با دولت مجبور به ترك ایران شد. ابتدا به شوروی رفت و سپس به آلمان، و در نهایت با اعتراض دولت ایران، آلمان ها او را اخراج کردند، وی پس از مدتی در به دری به ایران بازگشت و شدیداً تحت نظر قرار گرفت تا این که به زندان افتاد و در همان جا به وسیله آمپول هوای پزشکی احمدی جان باخت. (1318)

آرین پور درباره شعر فرخی در جلد سوم از صبا تا نیما می نویسد:

مجموعه اشعار فرخی، ترانه آزادی و برادری، پیکار با بیگانه پرستی و نادرستی و اعتراض شدید بر ضد تمام سازمان های سیاسی و اجتماعی است که سیاست های استعماری امپریالیسم را به دوش ملت ها تحمیل کرده اند. 24

محمدعلی سپانلو در کتاب شهر شعر فرخی در همین باره می نویسد:

ویژگی «شهر شعر فرخی» حکمروایی نوعی غزل است که می توان آن را «غزل نیمه سیاسی» خواند. رسالت این شعر، تلطیف آموزش های پیچیده و شعارهای خشک مسلکی است. ساده کردن و مردم فهم ساختن مباحث دشوار مرامی است در نازک ترین و ظریف ترین قالب شعر در، پیش بینی انقلاب محتوم و قهرآمیز ستمدیدگان و آبدیدگی مبارزان در کوره شکنجه و مرارت...» 25.

نمونه ای از شعر فرخی یزدی:

چکامه وطنی

مرا بارد از دیدگان اشک خونی
 غریقم سراپای در آب ز آتش
 زبان اوران وطن را چه آمد
 چه شد ملتی را که یزدان ز قدرت
 چنین گشته خون سرد و افسرده انسان
 نه گوشی است ما را که سازیم اصغا
 نه چشمی که بینیم خوار افتاده
 • درفش کیان از کیان در نگونی 26
 بر احوال ایران و حال کنونی
 ز آه درونی ز اشک برونی
 که لب بسته خو کرده با این زبونی
 همی داد بر عالم فزونی
 که گویی کند دیوشان رهنمونی
 ز نای وطن صوت آن بیرحمونی
 درفش کیان از کیان در نگونی 26
 • درفش کیان از کیان در نگونی 26

5- نیما یوشیج و پیدایش شعر نو:

اقتضای زندگی جدید بعد از مشروطیت، به وجود آمدن شیوه های نوین در بیان ادبی بود. اگر شاعران و نویسندگان را روح حساس جامعه بدانیم، هر تغییر در سطح و عمق جامعه تأثیری بلافصل بر آنان خواهد گذاشت و در نتیجه شیوه های بیانی آنها را نیز عوض می کند. نوآوری های رضاشاه نیز شیوه های بیانی تازه ای می طلبد.

بی شک مهم ترین حادثه شعری عصر رضاشاه تولد شعر نو نیمایی است. نیما یوشیج نخستین کسی است که با شعرش مدرنیسم را وارد ادبیات کرد. در این زمینه جنبه های نظری کار نیما اهمیت زیادی دارد. شکستن قالب های هزار ساله شعر فارسی بر پایه این نظریات بود. 27

نیما خود را شاعری می داند که باید با آهنگ روزگار همراه باشد. او نتیجه تأخیر افتادن انقلاب مشروطیت است. انقلابی که تحولاتی ژرف در افکار همه طبقات جامعه (مخصوصاً روشن فکران و تحصیل کردگان) بر جای گذاشت. نتیجه بلافصل این تحول، تغییر در فرم و محتوای سخنوری و نمونه بارز آن رواج ادبیات ژورنالیستی بود.

اگر نیما را بنا به ادعای خودش شاعری هم آهنگ با روزگار دانسته و او را روح حساس جامعه بدانیم که مانند آینه گرما و روشنی های آن دوران را انعکاس داده است، پس باید برای آثار او در شناخت حال و هوای روزگارش ارزش بسیاری قائل باشیم.

جلال آل احمد نیما را اصولاً شاعری بدبین می داند و معتقد است اگر صادق هدایت در داستان به «بوف کور» و نیما به «جغد پیر» پناه می برد علتی دارد و علت آن خفقان حاکم بر جامعه عصر رضاشاه است. 28

با نگاهی به شعرهای قبل از استحکام دیکتاتوری (افسانه و قصه رنگ پریده و ای شب) درمی یابیم که خمیرمایه اصلی این اشعار بدبینی است. این یأس را نیما در عبارت «به کجای این شب تیره بیایوزم قباى ژنده خود را» به روشنی بیان می کند. در شعر «وای بر من» فریاد شاعر تنهایی را می شنویم که دارد خفه می شود، اما جرأت دم بر آوردن ندارد.

آل احمد اعتقاد دارد همین تنهایی و بی پناهی است که نیما را متوجه مرغان کرده است. (با توجه به بسامد بالای نام پرندگان در اشعار نیما) آل احمد ادامه می دهد:

توجه به مرغان کم کم در تمام آثار او تعمیم یافته است. «اندوهناك شب» با ورود جغدی پایان می یابد. در «پریان» نیز [شعر] با وصفی از غرابی بر سر ساحل تکمیل می شود.

طرف دیگر چنان که گذشت، این زندگی. رمزی مرغان و آن هم مرغان شوم و تنها - را باید اثری از دوره سکوت ادبی پیش از شهریور 1320 دانست. همین نیما در سال های پس از شهریور 20 اگر هم از مرغی دم می زند از «خروس» است که خبر دهنده صبح روشن است. 29

وضعیت ادبیات داستانی در دوره پهلوی اول

منظور از ادبیات داستانی مجموعه ای از داستان کوتاه و رمان است و سرآغاز آن به انتشار کتاب یکی بود، یکی نبود محمدعلی جمال زاده در سال 1300 (ه. ش) باز می گردد. با انتشار این کتاب داستان کوتاه به منزله یکی از ژانرهای ادبی در ایران اعلام موجودیت کرد. عده ای از منتقدان این کتاب را «سرآغاز ادبیات واقع گرای ایران» دانسته اند. 30 این مجموعه شش داستان را دربر می گیرد. طنز زیبا و دل نشین جمال زاده، همراه با زبان ساده و محاوره ای وی مجموعه ای خواندنی را به وجود آورده است. تلاش جمال زاده در یکی بود، یکی نبود این است که شخصیت ها و تیپ های رایج اجتماعی دوران خود را مطرح کند و آنها را به نقد بکشد، شخصیت هایی که اغلب گرفتار اوهام و خرافات هستند و به شدت سنتی و کهنه پرست. چیزی که در سراسر این داستان ها خودنمایی می کند نوعی رخوت و سستی اجتماعی فراگیر است. دقیقاً همان چیزی که مردم به واسطه شرایط نامنی در جامعه دچار آن شده بودند.

به طور کلی در دوره رضا شاه وجه انتقادی داستان نویسی تضعیف می گردد و جای خود را به شعارهایی در زمینه محکومیت عوارض اجتماعی زندگی در مواردی چون خودفروشی، رباخوری، بی عاری، ظلم به زنان و ... می دهد. اگر ادبیات دوره مشروطه شتابش دردهای اجتماعی بود، در این دوره ادبیات و داستان نویسی تلخی و رخوت را ترویج می کند. نویسنده برون گرای مشروطه، انسانی درون گرا می شود و به لایه های زیرین فکر خود می خزد و انتزاعی ترین افکار را ارائه می دهد، از مردم جدا می شود به «حدیث نفس» می پردازد. نویسنده این دوران جدای از «حدیث نفس» به «قتل نفس» نیز می پردازد: خودکشی «رضا کمال شهرزاد» (نمایشنامه نویسی) «جهانگیر جلیلی» (نویسنده کتاب من هم گریه کردم گواهی بر این مدعا است. گو این که صادق هدایت نیز در این دوران برای اولین بار دست به خودکشی زد. 31

به طور کلی ویژگی های داستان های این دوره را می توان به طور اختصار این گونه بیان کرد:

1- داستان های این دوره فاقد عنصر انتقاد می باشد؛

2- شیوه داستان نویسی این عصر، از يك سو در بند افسانه پردازی به سبك قدیم و از سوی دیگر زیر نفوذ ترجمه حماسی و رمانتیک خارجی است؛

3- درون گرایی؛

4- طرح مسائل سطحی اجتماعی مانند خودفروشی، رباخوری، بی عاری، ظلم به زنان، تعصبات مذهبی و ...؛

5- گرایش به تاریخ، مخصوصاً تاریخ ایران باستان.

سرچشمه این داستان ها اغلب ادبیات رمانتیک فرانسه است. 32 این داستان ها را می توان به دو دسته بزرگ تقسیم کرد:

الف) رمان های آموزشی و تاریخی؛

ب) رمان های اجتماعی.

الف) رمان های آموزشی و تاریخی

در تاریخ ادبیات اروپا رمان های تاریخی در آغاز قرن نوزدهم و هم زمان با افول ناپلئون پدید آمدند. محتوای رمان های این دوره در امنیت اجتماعی و هویت ملی می باشد.

آرین پور شکل گیری رمان های تاریخی در ایران را «نتیجه مستقیم کوشش های فرهنگی دارالفنون و کسان وابسته به آنان» می داند. 33

موضوع این گونه رمان ها، ایران باستان و قبل از اسلام است. نام برخی از این رمان ها عبارت است از: «عشق و سلطنت یا فتوحات کوروش کبیر» (1297) نوشته «شیخ موسی کبودرآهنگی»، «داستان یا سرگذشت کوروش (1299) نوشته «میرزا حسین بدیع»، «دامگستران یا انتقام خواهان مزدك» (1304 - 1299)، «مظالم ترکان خاتون» (1307) نوشته «حیدر علی کمالی»، «دلیران تنگستانی» (1310) نوشته «محمد حسین زاده آدمیت»، «نادرشاه» (1310) نوشته «رحیم زاده ی صفوی»، «آشیانه و عقاب» (1318) نوشته «زین العابدین موتمن»، «پهلوان زند» (1312) نوشته «شین پرتو».

هدف اصلی رمان هایی از این دست بازسازی واقعی و صادقانه دوره های تاریخی است. اما اغلب این آثار در این زمینه ناموفق بوده اند. به طور کلی ویژگی های رمان تاریخی عصر رضاشاه را می توان این گونه برشمرد: کهنه اندیشی؛ عدم رابطه با مردم؛ نوعی گریز به گذشته. 34

رمان های تاریخی مورد توجه دستگاہ رضا شاهی قرار گرفتند، چون رضا شاه به نوعی خود را وارث همه گذشته ی ایران می دانست. رواج ناسیونالیسم باستان گرا نیز به این امر دامن می زد. با سقوط رضاشاه در شهریور 1320 رمان تاریخی نیز رو به افول رفت. نیما یوشیج این واقعه را این گونه بیان می کند:

مروزه دیگر رمان نویسی، مخصوصاً رمان تاریخی رو به انحطاط و زوال می رود. این بحران و تحول ادبی بی علت نیست، علت آن شکل مناسبات اجتماعی است که تغییر می کند و بر اثر آن تغییر وضع فکر و روحیات مردم با نویسنده هم که جزء مردم است تغییر می کند. 35

ب) رمان های اجتماعی و سیاسی

رمان سیاسی بنا به تعریف نوشته ای است که به نوعی از رابطه قدرت سخن می گوید. «تهران مخوف» (1304) نوشته مشفق کاظمی از اولین رمان های اجتماعی و سیاسی ایران است که در آن چهره تهران سال های 1300 ترسیم شده است. در این رمان برخی از رویدادهای سیاسی و اجتماعی بعد از کودتای نظامی 1299 سید ضیا و رضاخان مورد بررسی قرار گرفته است و در آن به استبداد حاکم و در بند بودن آزادی خواهان اشاره گردیده است.

برخی از چهره ها و آثار رمان های اجتماعی این دوره بدین قرارند:

1- عباس خلیلی: روزگار سیاه (1304)، انتقام (1304)، اسرار شب (1305).

2- یحیی دولت آبادی: شهرناز (1304).

3- محمد حجازی: زیبا (1312)، هما (1307)، پرچهر (1308)؛

4- سعید نفیسی: فرنگیس (1310)؛

5- ربیع انصاری: جنایات بشر یا آدم فروشان قرن بیستم (1308)؛

6- محمود مسعود: تفریحات شب (1311)، در تلاش معاش (1312)؛

خصوصیات کلی این گونه از رمان ها را در این موارد می توان خلاصه کرد:

1- پذیرش وضع موجود؛

2- توصیف وضع حقارت آمیز زنان؛

3- نمایاندن فساد.

4- وجود نوعی ناتوار الیسم و یأس و بدبینی نسبت به تغییر وضع موجود؛

5- رمانتیسیم و احساسات گرایی؛

6- انعکاس آمال و خواسته های طبقه متوسط تازه شکل گرفته؛

7- التقاط فکری. 36

داستان کوتاه یکی از ژانرهای ادبی است که در این دوران شکل می گیرد، اما زیاد مورد توجه محافل ادبی قرار نمی گیرد. صادق هدایت این بی توجهی را این گونه شرح می دهد:

حدود نویسندگی را از ابتدای خلقت به همین چهار موضوع (تحقیق، تاریخ، ترجمه، اخلاق) محدود کرده اند و هر کس در غیر این موضوع ها سخن بگوید و خود را نویسنده بداند باید سرش را داغ کرد. 37

صادق هدایت یکی از برجسته ترین و تأثیرگذارترین نویسندگان سیاسی اجتماعی دوران رضاشاه می باشد. وی در تاریخ ادبیات ایران شخصیتی پیچیده و چند لایه دارد و درباره وی افراط و تفریطهای فراوانی انجام گرفته است. عده ای او را تا سرحد يك قدیس بالا برده اند و گروهی نیز او را نامتعارف و فاسد خوانده اند.

آثار صادق هدایت را می توان در قالب هایی مانند: دانش عوام (فولکلور)، پژوهش های علمی، ترجمه ها، نامه ها، نمایشنامه ها و داستان طبقه بندی کرد. صادق هدایت در فاصله سال های 1320 - 1300 جمعاً 12 اثر از خود بر جای می گذارد که عبارتند از:

1- داستان مرگ نویسنده (1305)

2- مجموعه داستان های زنده به گور (1309)

3- افسانه ی آفرینش (1309)

4- پروین دختر ساسان (1309)

5- سایه مغول (1309)

6- مجموعه داستان های سه قطره خون (1311)

7- اصفهان نصف جهان (1311)

8- مجموعه داستان های سایه روشن (1312)

9- علویه خاتم (1312)

10- مازیار (1312)

11- بوف کور (1315)

12- گجسته ابالیش (1316)

در این میان تریلوژی زنده به گور، سه قطره خون و بوف کور فضایی ویژه را تداعی می کنند. حسن عابدینی در این باره می نویسد:

او (راوی این داستان ها) روشن فکری مضطرب، تنها و آشفته ذهن است که خاطرات و رویاهای مملو از بیهودگی و مرگ را مرور می کند. بیماری است جسمی - روحی که با خودش درگیری دارد. این روشن فکر واخورده از بیرون آکنده از خفقان و دروغ، به درون خزیده است، اما در درون نیز، که در ارتباطی متقابل با بیرون است تاریکی سیطره دارد... 38.

مهم ترین و تأثیرگذارترین اثر داستانی صادق هدایت، بوف کور است. هدایت، بوف کور را در سال 1315 در هند و با یک ماشین دستی کوچک در چند نسخه چاپ می کند.

جلال آل احمد درباره بوف کور می نویسد:

من هر وقت بوف کور می خوانم: «در این وقت صدای یک دسته گزمه مست از توی کوچه بلند شد که می گذشتند و شوخی های هرزه با هم می کردند، من هم هراسان خود را کنار

می کشیدم»؛ به یاد وحشت و هراسی می افتم که نزدیک 20 سال مثل بختک در شب تاریک استبداد بر سر ملتی افتاده بوده است. به خصوص اگر در نظر بیاوریم که این آمد و رفت هراس آور گزمه ها چندین بار در کتاب تکرار شده است. 39.

از جمله ویژگی های مهم بوف کور نمادگرایی (سمبولیسم) بسیار قوی آن است. در حقیقت هر یک از شخصیت ها و عناصر این داستان می توانند نماد سمبلی از عناصر تشکیل دهنده زندگی اجتماعی و روزگار هدایت باشند: جو خفقان، رویاها و آرزوهای دور دست، خیانت، امیال ارضا نشده، نامتعارف بودن آدم ها و

1- این مقاله برگزیده ای است از طرح پژوهشی که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت انجام گرفته است.

2- دانشجوی دوره دکترای علوم سیاسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بافت.

3- محمدتقی بهار، تاریخ مختصر احزاب ایران (تهران: امیرکبیر، 1371) ص 89

4- به نقل از: رضا قدس، «ناسیونالیسم ایرانی و رضاشاه»، فرهنگ توسعه، خرداد و تیرماه 1375

5- یحیی آرین پور، از صبا تا نیما، جلد دوم (تهران: زوار، 1372) ص 352

6- محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه نفیسی و عزیزی (تهران: مرکز، 1372) ص 122

7- همان، ص 124

8- باقر عاقلی، روزشمار تاریخ ایران (تهران: گفتار، 1369) ص 107

9- محمدتقی بهار، پیشین، ص 104 105

10- همان، ص 329 - 330

11- کاتوزیان، پیشین، ص 145

12- نخستین کنگره نویسندگان ایران (تهران: بی جا، 1326) ص 24

- 13- همان، ص 50
- 14- ادبیات نوین ایران، ترجمه یعقوب آژند (تهران: امیرکبیر، 1363) ص 49
- 15- همان.
- 16- محمدرضا شفیعی کدکنی، ادوار شعر فارسی (تهران: توس، 1359) ص 62 63
- 17- نیما یوشیج، مجموعه کامل نامه های نیما یوشیج، به کوشش سیروس طاهباز (تهران: 1326).
- 18- رشید یاسمی، ادبیات معاصر (تهران: ابن سینا، 1352) ص 30
- 19- آرین پور، پیشین، ص 333
- 20- عباس مهرین، تاریخ زبان و ادبیات ایران از زمان قاجاریه تا عصر پهلوی (تهران: مانی، 1353) ص 125
- 21- آرین پور، پیشین، ص 351
- 22- محمدعلی سپانلو، چهار شاعر آزادی (سوئد: افسانه + باران، 1994) ص 70
- 23- آرین پور، پیشین، ص 359
- 24- یحیی آرین پور، از نیما تا روزگار ما (جلد سوم از صبا تا نیما) (تهران: زوار، 1376) ص 507 - 508
- 25- محمدعلی سپانلو، شهر شعر فرخی (تهران: نشر علم، 1375) ص 20
- 26- محمد فرخی یزدی، دیوان فرخی یزدی، به کوشش حسین مکی، چاپ 7 (تهران: امیرکبیر، 1363) ص 194
- 27- نیما یوشیج در کتاب های ارزش احساسات در زندگی هنرپیشگان و حرف های همسایه و هم چنین در نامه هایش به این نظریات پرداخته است.
- 28- جلال آل احمد، هفت مقاله (تهران: رواق، 1357) ص 57
- 29- همان، ص 57
- 30- حسن عابدینی، صد سال داستان نویسی در ایران، ج 1 (تهران: تندر، 1366) ص 50
- 31- همان، ص 79 - 80
- 32- محمدعلی سپانلو، نویسندگان پیشرو ایران (تهران: زمان، 1362) ص 57
- 33- آرین پور، پیشین، ص 138
- 34- عابدینی، پیشین، ص 28
- 35- به نقل از عابدینی، ص 29
- 36- عابدینی، پیشین، ص 48

37- صادق هدايت، و غ و غ ساهاب، ص 12

38- عابدينى، پيشين، ص 58

39- آل احمد، پيشين، ص 23